

## حکمرانی ولی فقیه حکمرانی زمینه ساز ظهور\*

حسین الهی نژاد<sup>۱</sup>

سیدحسن سیادت<sup>۲</sup>

### چکیده

از جمله وظایف مهم مردم و منتظران در عصر غیبت، بحث زمینه سازی ظهور است. اهتمام ورزی و فراگیری بحث زمینه سازی ظهور در میان بارومندان اسلامی نشان از تأثیرگذاری و ضروری بودن آن دارد. در واقع زمینه سازی ظهور در دو ساحت فردی و اجتماعی قابل بیان است که در ساحت اجتماعی، عالی ترین و کاربردی ترین نوع زمینه سازی، تشکیل حکمرانی اسلامی با هدایتگری ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان (عج) است. پیرامون حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمرانی زمینه ساز سه نگرش مطرح شده است. نگرش اول که براساس ملاک فراگیری ظلم و جور پایه گذاری می شود نفی کننده هر حرکت اصلاحی از جمله حرکت ولی فقیه برای زمینه سازی ظهور است. نگرش دوم برخلاف نگرش اول، گرچه موافق هر نوع حرکت های اصلاحی از جمله حکمرانی ولی فقیه بوده ولی خود باز به دو قسم مختلف تقسیم می شود. قسم اول که براساس معیار ثابت بودن زمان ظهور و عدم تغییر آن با افعال و اعمال مردم سنجیده می شود، حکم به عدم تأثیرگذاری حکمرانی ولی فقیه در رخداد ظهور و تقدم بخشی آن می کند. قسم دوم که براساس قانون شناور بودن زمان ظهور و تغییر پیدا کردن آن توسط اعمال و رفتار مردم، محاسبه می شود، رأی به تأثیرگذاری حکمرانی ولی فقیه و هر حرکت اصلاحی در رخداد ظهور و تقدم بخشی آن داده می شود. پس در این جا سه نگرش «نفی حکمرانی زمینه ساز»، «نفی اثربخشی حکمرانی زمینه ساز در ظهور» و «تحقق اثربخشی حکمرانی زمینه ساز در ظهور» مطرح است که نگرش سوم همان نگرش مختار است که برای تحقیق و پژوهش آن در جمع آوری اطلاعات از فن کتابخانه ای و اسنادی و در پردازش اطلاعات از روش توصیفی و تحلیلی استفاده می شود.

### واژگان کلیدی

حکمرانی، زمینه سازی ظهور، زمینه سازی اجتماعی، حکمرانی ولی فقیه، حکمرانی زمینه ساز.

### مقدمه

براساس نگرش فلسفه تاریخ، فرایند و سیر کلی تاریخ بشریت به سوی کمال، سعادت، صلاح

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

۱. استاد تمام و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)  
(h.elahinejad@isca.ac.ir).

۲. دانش آموخته سطح چهار امامت پژوهی، قم، ایران (Seiied33@gmail.com).

و آینده‌ای روشن است. از منظر ادیان آسمانی به طور عام و ادیان ابراهیمی به طور خاص و دین اسلام به طور اخص این سیر تاریخی و کمال‌یابی بشر به سوی ظهور منجی که در اسلام به ظهور امام مهدوی تعریف شده منتهی می‌شود. بی‌شک برای رسیدن به آرمان‌شهر مهدوی و حکمرانی عدل جهانی نیاز به بسترسازی و تمهیدگری است شکل‌گیری حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت به عنوان نماینده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اوج آمادگی و زمینه‌سازی جامعه و مردم برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس حکمرانی ولی فقیه به عنوان عالی‌ترین نهاد و مؤثرترین پدیده اجتماعی برای زمینه‌سازی حکمرانی متعالی مهدوی به حساب می‌آید.

بی‌شک انقلاب اسلامی (و حکمرانی ولی فقیه) بدون هیچ‌گونه تجربه‌ای در سده‌های اخیر فقط با تکیه بر الگوی حکمرانی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام شکل گرفته و با ارائه سبک جدیدی از زندگی براساس اندیشه مهدویت و انتظار، تداعی‌گر زیست مؤمنانه و منتظرانه به سوی حکمرانی متعالی مهدوی سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری می‌شود. بر همین اساس مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در بیانیه گام دوم انقلاب، بیاناتی را پیرامون آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (اروحنا فدا) به عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی شکل گرفته در طول تاریخ بشریت اعم از گذشته و آینده بیان کردند.

حکمرانی ولی فقیه دارای اهداف سه‌گانه؛ کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است در هدف کوتاه‌مدت با محوریت اندیشه مهدویت و با الگوگیری از جامعه منتظر به پیاده‌سازی تعالیم و آموزه‌های اسلامی در جامعه می‌پردازد و در هدف میان‌مدت با حرکت‌های اصلاحی و اصلاح‌گری و معرفت‌افزایی و آگاهی‌بخشی به مردم، زمینه‌سازی برای تحقق ظهور را فراهم می‌کند و در هدف بلندمدت با نیروسازی و تربیت نسل منتظر برای حکمرانی جهانی مهدوی اقدام می‌نماید. پس حرکت به سوی حکمرانی متعالی مهدوی یکی از اهداف عالی حکمرانی مطلوب ولی فقیه در عصر غیبت است. یعنی فرایند سیر حکمرانی ولی فقیه براساس «قانون حرکت» از وضعیت موجود به عنوان مبدأ به سوی وضعیت مطلوب به عنوان مقصد براساس باورداشت انتظار به عنوان راهبرد، شکل می‌گیرد.

در خصوص حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز سه دیدگاه مطرح است که با روش توصیفی و تحلیلی بدان خواهیم پرداخت. برخی دیدگاه‌ها به طور کلی هر حرکت اصلاحی از جمله حکمرانی ولی فقیه را برای زمینه‌سازی ظهور رد می‌کنند. برخی دیگر از دیدگاه‌ها حرکت‌های اصلاحی از جمله حکمرانی ولی فقیه را به عنوان یک پدیده زمینه‌ساز قبول دارند

ولی تأثیرگذاری آن را در زمان رخداد ظهور و تقدم بخشی آن قبول ندارند و دیدگاه سوم که دیدگاه مختار است اولاً؛ همه حرکت‌های اصلاحی که در رأس آنها حکمرانی ولی فقیه قرار دارد را زمینه‌ساز ظهور تلقی نموده و ثانیاً؛ آنها را در رخداد ظهور تأثیرگذار می‌داند بر این اساس هر چه نصاب این حرکت‌ها به سوی تمهیدی‌گری و آمادگی بیشتر باشد، به طور طبیعی تأثیرگذاری آن در رخداد ظهور و تقدم بخشی وقوع آن را بیشتر تضمین می‌کند.

از این رو نوشتار حاضر بعد از طرح مفهوم‌شناسی و مباحث نظری تحقیق، بحث را در قالب نگرش سه‌گانه یعنی نگرش «نفی حکمرانی زمینه‌ساز»، «بی‌اثری حکمرانی زمینه‌ساز» و «اثر بخشی حکمرانی زمینه‌ساز» پیش برده و در نهایت، مقاله را با بیان نتیجه‌ای به پایان می‌برد.

#### مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری بحث

#### ۱. مفهوم‌شناسی

#### حکمرانی مطلق و اسلامی

حکمرانی در اصطلاح، فرایند نظام‌مندی جهت راهبری، هدایت‌گری، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری جامعه از مبداء تا مقصد است به بیان دیگر حکمرانی یک فرایند و یک تکنولوژی نرم است که از سیاست‌گذاری شروع شده تا به تحقق اهداف منتهی می‌شود (خسروپناه، ۱۴۰۲، ص. ۱۴). حکمرانی از قدیم مطرح بوده و دارای پیشینه طولانی از نظر تاریخی است (بور، ۱۳۹۷، ص. ۲۲).

حکمرانی یعنی؛ راهبرد پیشبرد امر عمومی در تمامی سطوح، ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر ذینفعان، ذیربطان و اجزا از مبداء تا مقصد براساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان. اما در تعریف حکمرانی اسلامی آمده؛ راهبری مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذینفعان، ذیربطان و اجزاء از مبداء تا مقصد به بعث محرک‌ها در بستر زمان و مکان از طریق عمل صالح (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۷۴).

پس حکمرانی به معنای راهبری صحیح و به هم پیوسته قدرت از مبداء تا مقصد برای حل مسائل و مشکلات با مشارکت کنشگران ذینفع در راستای تحقق اهداف جامعه است. که اگر جامعه اسلامی باشد با هدف مشخص و اگر جامعه غیر اسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های دیگری تعریف می‌شود.

### حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی ولی فقیه، الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که در عصر غیبت براساس اندیشه مهدویت شکل می‌گیرد و ولی فقیه به عنوان جانشین امام زمان علیه السلام سرپرستی جامعه را از ناحیه امام زمان علیه السلام براساس نظریه ولایت فقیه که مبتنی بر نظریه نیابت عام است، عهده‌دار است به بیان دیگر حکمرانی ولی فقیه یعنی اجرا و اعمال قدرت در جامعه عصر غیبت با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس نظریه ولایت فقیه جهت ترویج و اقامه دین در جامعه است.

### زمینه‌سازی

ظهور بسان هر حادثه دیگر که در تاریخ بشریت و مرتبط با عملکرد و کارکرد بشر تحقق می‌یابد نیاز به یکسری مقدمات و بسترهای تمهیدی دارد. فراهم‌آوری مقدمات و بسترهای تمهیدی که از آن به زمینه‌سازی ظهور تعبیر می‌شود در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی و با فعالیت‌ها و فاعل‌های گوناگون خود نمائی می‌کند مثلاً برخی از این تمهیدات مربوط به فعل خدا و برخی مربوط به فعل امام و برخی دیگر مربوط به عملکرد و فعل جمعی بشر است. برای رخداد ظهور فعل خدا علت حقیقی و اصلی، و فعل امام و بشر علت اعدادی و فرعی است. فعل خدا همان آفرینش امام و نصب او به عنوان امام، است و فعل امام در قالب پذیرش منصب امامت و اطاعت او از خدا نمایان می‌شود و فعل جمعی بشر همان آمادگی و تمهیدی‌گری آنها برای رخداد ظهور است. شایان ذکر است که در میان افعال سه‌گانه فوق فعل خدا و امام همیشه اجرائی بوده و خواهد بود و رخداد ظهور تنها متفرع بر فعل مردم بوده که هنوز تحقق پیدا نکرده است و بر این اساس به طور کلی همیشه بحث زمینه‌سازی ظهور پیرامون فعل بشر مطرح و مورد گفتگو است. چنان‌که رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیائیم که زمینه را آماده کنیم. زمینه باید برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) آماده بشود و آن عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی، و حاکمیت قرآن و اسلام (حسینی خامنه‌ای، بیانات (۱۳۷۰).

پس زمینه‌سازی همان بسترسازی و فراهم‌آوری تمهیدات و مقدمات از ناحیه مردم برای تحقق ظهور بوده همان تمهیدات و مقدماتی که نقش علت معده را برای پدیده ظهور بازی کرده و به عنوان جزء العله در کنار علت‌های دیگر، علت تامه را برای رخداد ظهور فراهم می‌آورد.

## حکمرانی زمینه‌ساز

حکمرانی زمینه‌ساز در واقع آن حکمرانی‌ای است که اندیشه مهدویت در آن جایگاه مهمی داشته و در سه ساحت خاستگاهی، فرایندی و برابندی آن نقش تأثیرگذاری دارد در ساحت خاستگاهی اندیشه مهدویت نقش پیشران را دارد و در ساحت فرایندی اندیشه مهدویت نقش سیستمی و ساختاری دارد و در ساحت برابندی اندیشه مهدویت نقش غایت و هدفمندی را دارد. پس در تعریف حکمرانی زمینه‌ساز گفته می‌شود آن حکمرانی‌ای است که مشروعیت مهدوی داشته و با ترویج تمهیدگری و زمینه‌سازی مردم و جامعه را به سوی غایت مطلوب مهدوی که همان ظهور و جامعه ایده‌آل مهدوی است به پیش می‌برد.

## ۲. ادبیات نظری بحث

### ظهور و حکمرانی مهدوی غایت حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی اسلامی در عصر غیبت که در قالب حکمرانی ولی فقیه نمایان می‌شود دارای فرایند و برابندی است در فرایند، بحث زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور مطرح می‌شود و در برابندی، بحث غایت و هدف حکمرانی ولی فقیه به نمایش گذاشته می‌شود. به بیان دیگر حکمرانی ولی فقیه در بحث فرایند، مردم و جامعه را با تمهیدگری و فراهم‌آوری مقدمات به سوی زمینه‌ساز و آمادگی هدایت می‌کند و در بحث برابندی، بعد از زمینه‌سازی و آمادگی به دنبال دو هدف؛ یعنی تحقق ظهور و تشکیل حکمرانی جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس منتظران و جامعه منتظر به سرپرستی ولی فقیه در دو مقطع حساس زمانی به نام پیشاظهار و پس‌اظهار نقش مهمی دارند در پیشاظهار در قالب اصحاب و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت تحقق ظهور نقش ایفا می‌کنند و در مقطع پس‌اظهار در قالب سران لشگری و کشوری جهت تشکیل حکمرانی جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که سراسر جهان را در نوریده و تنها حکمرانی جهانی است ایفای نقش می‌کنند.

### تشکیل حکمرانی ولی فقیه عالی‌ترین نوع آمادگی

زمینه‌سازی ظهور در قالب‌ها و تنوعات مختلفی اجرایی می‌شود. مثلاً زمینه‌سازی ظهور با نگرش کلی به زمینه‌سازی خدا، امام و بشر تقسیم می‌شود و زمینه‌سازی بشری نیز به فردی و اجتماعی متنوع می‌شود و زمینه‌سازی اجتماعی باز به زمینه‌سازی فرهنگی، سیاسی، نظامی، تمدنی، دینی و... قابل تقسیم است. زمینه‌سازی خدا همان آفرینش امام و انتصاب ایشان به مقام امامت است. زمینه‌سازی امام همان قبول امامت و اطاعت او از اوامر الهی است. این دو

نوع زمینه سازی که یکی به فعل و اراده خدا و دیگر به فعل و اراده امام باز می‌گردد، از اول، تحقق و وقوع خارجی داشته است. مهم و قابل توجه در این جا زمینه سازی بشر است که تحقق خارجی نداشته و لازم است به تمام معنی و به تمام ابعاد در جامعه پیاده سازی شود و بی تردید وقتی که در روایات معصومان علیهم‌السلام بحث از زمینه سازی می‌شود منظور زمینه سازی بشری است. و بحث از زمینه سازی کامل و جامع می‌شود مقصود زمینه سازی در همه ابعاد و انواع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تمدنی، فرهنگی، دینی و نظامی است. که در واقع اوج آمادگی در بحث زمینه سازی ظهور بعد از آمادگی فردی، آمادگی اجتماعی با رویکرد سیاسی است و اوج آمادگی سیاسی با تشکیل حکمرانی اسلامی توسط جانشین امام زمان علیه‌السلام یعنی ولی فقیه به منصف ظهور می‌رسد. تشکیل حکمرانی اسلامی در عصر غیبت براساس نگرش مقام معظم رهبری که به صورت سلسله مراتبی تبیین گردیده یعنی از انقلاب اسلامی به نظام اسلامی و از نظام اسلامی به جامعه اسلامی و از جامعه اسلامی به تمدن اسلامی توجیه شده است در واقع حکمرانی ولی فقیه هرچه به مراتب عالی‌تر و بالاتر برسد شدادت آمادگی بیشتر و زمینه ظهور نیز بیشتر مهیا است.

#### نگرش‌های سه‌گانه پیرامون حکمرانی زمینه‌ساز

پیرامون حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز سه دیدگاه مطرح است این سه دیدگاه مبتنی بر سه نگرشی است که در بحث زمینه سازی ظهور مطرح است. اول؛ برخی نگرش‌ها زمینه سازی ظهور را با وجود ظلم و جور در جامعه توجیه می‌نمایند. یعنی وقتی که ظلم و جور در جامعه به صورت فراگیر و همه جانبه گسترش پیدا کرد و هیچ خیر و صلاحی در جامعه وجود نداشت، در این صورت براساس داده‌های روائی زمینه سازی و بسترسازی ظهور فراهم شده و باید در انتظار آمدن منجی عالم بشریت باشیم. پس در این نگرش اعمال منفی، ملاک و معیار زمینه سازی ظهور تلقی می‌شود و در واقع هرچه اعمال منفی (ظلم و ستم) بیشتر شود، به طور طبیعی مردم بیشتر تحت فشار قرار گرفته و بیشتر احساس نیاز به منجی می‌نمایند. دوم؛ نگرش دوم برخلاف نگرش اول زمینه سازی مثبت را برای ظهور تجویز می‌کند و کوشش و تلاش مثبت بشر را در این خصوص مأجور و پسندیده می‌دانند ولی زمینه سازی را یک امر تکلیفی که بشر برای انجام آن مکلف شده باشد نمی‌دانند بلکه یک امر پسندیده که انجام آن به طور مطلق انجام می‌شود نه با قید تقدم بخشی ظهور. پس براساس این نگرش زمینه سازی مثبت هیچ تأثیری در تقدم بخشی ظهور ندارد. نگرش سوم؛ براساس نگرش سوم،

زمینه‌سازی مثبت یک امر تکلیفی تلقی شده و منتظران در راستای تحقق ظهور باید به بسترسازی آن مبادرت نمایند. و در این نگرش میان زمینه‌سازی و ظهور رابطه لزومی برقرار است یعنی هر چه زمینه‌سازی زودتر صورت بگیرد تحقق ظهور نیز زودتر اجرائی و هرچه دیرتر صورت بگیرد تحقق ظهور نیز به تأخیر می‌افتد. تفاوت دیگری که میان نگرش دوم و سوم وجود دارد این است که در نگرش دوم، زمان ظهور از ناحیه خدا تعیین و مشخص شده و دارای زمان ثابتی است ولی در نگرش سوم زمان ظهور علاوه بر اراده الهی، متکی به اراده جمعی بشری نیز بوده و خدا برای آن زمان مشخصی تعیین نکرده است و آن را به تلاش و کوشش بشر واگذار کرده است بر این اساس هر وقت مردم با تلاش و کوشش خود به آن نصاب لازم و کافی رسیدن، ظهور به اذن الهی رقم خواهد خورد. به طور کلی نگرش سه‌گانه فوق در ارتباط با حکمرانی ولی فقیه به نتایج متفاوتی منتهی می‌شود. نگرش اولی به طور کلی نافی حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز است. نگرش دوم به بی‌خاصیت بودن حکمرانی ولی فقیه در امر زمینه‌سازی ظهور نظر می‌دهد و نگرش سوم برخلاف دو نگرش قبلی اولاً؛ حکمرانی ولی فقیه را به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز قبول دارد. ثانیاً؛ به اثربخشی آن به عنوان اوج آمادگی مردم برای زمینه‌سازی ظهور رأی مثبت می‌دهد که در ذیل به تفصیل بیان می‌شود.

### نگرش اول؛ نفی حکمرانی در زمینه‌سازی ظهور

یکی از دلایل مهم نفی هر گونه زمینه‌سازی مثبت از جمله حکمرانی زمینه‌ساز، ایده ابتدای ظهور بر فراگیری ظلم و ستم در جامعه است. برخی ایده‌ها و نگرش‌ها بر این قاعده استوار شده که ظهور به عنوان یک پدیده اجتماعی، زمانی به وقوع می‌پیوندد که جهان پر از ظلم و جور شده و خیر و صلاح در آن به صفر رسیده باشد. و در این صورت است که مردم بر اثر کثرت ظلم و ستم، به طرف اضطرار و استیصال پیش رفته و تنها راهی نجات و برون رفت خویش از این معضل را اراده خدا در ارسال منجی می‌دانند و از این جاست که دست نیاز به سوی آسمان دراز کرده و از عمق وجود خویش ظهور منجی را از خدا طلب می‌کنند. بی‌شک ایده فوق یعنی ایده نفی حکمرانی زمینه‌ساز با هر حرکت اصلاحی ناسازگار و مخالف است زیرا هر عمل خیر و صلاحی، و هر کار مثبت و خوبی به نوعی بشر را از آن اوج اضطرار و استیصال دور می‌کند که حکمرانی ولی فقیه از جمله آنهاست زیرا حکمرانی ولی فقیه با اجرای قوانین و مقررات اسلامی و با پیاده‌سازی آنها در جامعه بشر را به سوی اصلاحات فردی و اجتماعی پیش برده و

زمینه سازی ظهور که همان فراگیری ظلم و ستم است را از بین می برد.

دلایل و مستندات نقلی این ایده، همان روایات و احادیثی است که در منابع شیعه و اهل سنت آمده که اشاره به فراگیری ظلم و جور در عصر غیبت دارد. این نوع روایات از نظر شیعه و اهل سنت، به حد استفاضه و بلکه به حد تواتر رسیده (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۶۲) و از نظر سند صحیح و از نظر صدور قطعی است. محتوای روایات بر این مطلب دلالت دارد که بعد از فراگیری ظلم و جور در جامعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خویش با آنها مبارزه کرده و فضای زندگی بشر و جوامع بشری را به سوی عدالت، صلاح و قسط سوق می دهد. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص. ۳۱۸):  
 اگر نماند از دنیا جز یک روز خدا آن روز را بلند کند تا مردی از فرزندان من خروج کند و زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه از جور و ظلم پر شده است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُمْلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَشْرَتِي - أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا (ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ص. ۳۶).  
 کثرت روایات در خصوص فراگیری عدل و داد بعد از فراگیری ظلم و جور در عصر ظهور به حدی است که پیرامونش ادعای تواتر شده و تعداد آنها در منابع حدیثی اهل سنت و شیعه به عدد ۱۵۴ روایت می رسد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۱۵۵). در این خصوص آبری صاحب کتاب مناقب الشافعی ادعای تواتر کرده است (آبری، ۱۴۳۰ق، ص. ۹۵).

### پاسخ به نگرش اول

#### ۱. «کما ملئت» نه «بعد ما ملئت»

روایاتی که اشاره به فراگیری ظلم و جور در عصر غیبت و فراگیری عدل و داد در عصر ظهور دارد از نظر قلمرو بسیار پر گستره است و دلیل پر گستردگی آنها همین بس که همه معصومین علیهم السلام به نحوی در این خصوص روایاتی از آنها نقل شده و علاوه بر منابع حدیثی شیعه در منابع حدیثی اهل سنت نیز روایات فراوانی آمده است. نکته قابل ذکر این که در همه روایات واژه «کما ملئت» آمده است نه «بعد ما ملئت» که در واقع در بیان واژه دوم دو نکته برداشت می شود اولاً؛ تحقق عدالت متفرع بر تحقق ظلم و جور است ثانیاً؛ فوریت و قطعیت

تحقق عدالت از نظر زمانی بعد از فراگیری ظلم و جور است. این عبارت از لفظ «بعد» استفاده می‌شود که اصطلاحاً ظرف زمان است، یعنی لفظی است که نشان از زمان دارد. با توجه به قید زمان این عبارت این‌گونه ترجمه می‌شود که بعد از آن که دنیا از ظلم و جور پر شد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور می‌کنند و آن را پر از عدل و داد می‌نمایند. با اندک توجهی فساد این نوع برداشت روشن است. بر پایه این نوع ترجمه، فراگیر شدن ظلم، مقدمه ظهور امام غائب است. بنابراین، ممکن است از این احادیث چنین برداشت شود که هر اقدامی جهت مبارزه با ظلم و استقرار عدل در جامعه، به معنای تلاش برای از بین بردن مقدمه ظهور آن امام و در نتیجه، به تأخیر افتادن ظهور ایشان است.

اما این مطلب از واژه اول (کما ملئت) قابل اصطیاد نیست. زیرا حرف «کاف» در ادبیات زبان عرب یا برای تشبیه به کار می‌رود و یا برای مقابله. با توجه به این کاربرد یعنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دنیا را از عدل و داد پر می‌کند هم‌چنان که از ظلم و ستم پر شده بود یا حضرت دنیا را سرشار از عدالت می‌کند در مقابل آن که دنیا مملو از جور و ستم شده بود. با دقت در این معانی درمی‌یابیم که سخنی از زمان گسترش ظلم و آمدن عدالت بعد از گسترش ستم به میان نیامده است، بلکه سخن از مقابله یا تشبیه است. پس با واژه (کما ملئت) دیگر نیازی به فرعیت عدالت بر ظلم و جور، و همچنین قطعیت و فوریت عدالت بعد از ظلم و جور نیست. چنان که مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

کلمه ی «بعد» در یکی دو دعا بیشتر نیست. من یک وقت در نماز جمعه گفتم که «تملاً الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» را در جایی پیدا نکردم. گفتم: به جز دو جا، در روایات «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. یکی از آن دو جا زیارت غیرمعتبری است و دیگری که زیارت نسبتاً خوبی است، سند درستی ندارد (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶).

بی‌شک در قدیمی‌ترین کتاب شیعی که روایت را با تعبیر «بعد ما ملئت» ذکر کرده، کتاب *الطرائف فی معرفة مذاهب سیدبن طاووس* است در این کتاب آمده است:

وَمِنْ ذَلِكَ مَا ذَكَرَهُ أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنُ مَسْعُودٍ الْفَرَّاءِ فِي كِتَابِ الْمَصَابِيحِ... فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا  
وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

همان‌طور که مشاهده می‌شود سید این روایت را از کتاب مصابیح حسین بن مسعود فراء بغوی گرفته است، این در حالی است که در اصل کتاب مصابیح این روایت از قول نبی اکرم صلی الله علیه و آله با لفظ کما ملئت نقل شده است (فراء بغوی، ج ۳، ص ۴۹۳). در کتاب *إثبات الهداة*

این روایت را به لفظ «بعد ما ملئت» از سلیم بن قیس نقل کرده است (حر عاملی، ج ۲، ص ۱۲۰) که باز هم با مراجعه به اصل کتاب می بینیم که سلیم روایت مذکور را در شش مورد استفاده کرده که در همه آنها با لفظ «کما ملئت» ذکر کرده است (سلیم، ۱۴۰۵ق، ج ۲، صص ۵۶۷، ۶۲۸، ۷۶۳، ۷۷۵، ۸۷۸، ۹۰۸). در کتاب *بحار الانوار* این روایت با لفظ «کما ملئت»، ۷۶ مرتبه و با لفظ «بعد ما ملئت» سه مرتبه ذکر گردیده است. که یکی به نقل از کتاب *کفایة الاثر* بوده و دیگری به نقل از کتاب *الأمالی* شیخ طوسی است و مورد دیگر نیز از کتاب *ارشاد القلوب* مرحوم دیلمی است که در مصدر اصلی آنها با لفظ «کما ملئت» ذکر گردیده است.

## ۲. «ظلم و جور» نه «ظالم و جائر»

در همه روایات مربوطه که به نوعی بیانگر وصف الحال جامعه قبل ظهور و بعد ظهور است، اشاره به «ظلم و جور» شده، نه «ظالم و جائر» یعنی در جامعه قبل از ظهور ظلم و جور فراگیر می شود نه ظالم و جائر، ظلم و جور بیانگر وصفی است که موصوفی به نام ظالم و جائر دارد و این وصف با یک متعلق هم قابل تحقق است. ولی فراگیر ظالم و جائر یعنی فراوانی متعلق ظلم و جور در این صورت غالب مردمان جامعه باید در کسوت ظالم و جائر باشند تا زمینه سازی ظهور تحقق پیدا نماید. عکس قضیه که فراگیر ظلم و جور باشد با یک متعلق و مصداق قابلیت تحقق دارد یعنی در جهان گروه خاصی به نام صهونیسم و استکبار که عدد محدود نسبت به کل جمعیت جهان هستند به همه مردمان جهان ظلم و جور روا می دارند بر این اساس ظالمین و جائرین محدود بوده و غالب مردم جهان در برابرشان مظلوم است پس بنابراین لازم نیست به دنبال رواج ظلم و ستم برویم و خودمان با ترویج آن ظالم و جائر بشویم بلکه ظالمان و جائران زمان که همان استکبار و صهونیسم باشند کار فراگیری ظلم و جور را عهده دار بوده و منتظران واقعی باید به وظایف خود که همان معرفت بخشی با مردم و جامعه است، عمل نمایند.

## ۳. معرفت بخشی وظایف منتظران

چنان که بیان شد برای رسیدن به ظهور دو نوع زمینه سازی وجود دارد زمینه سازی مثبت و زمینه سازی منفی. تفاوت این دو نوع زمینه سازی به اصل زمینه سازی و نقش آفرینان آن باز می گردد در زمینه سازی منفی، انجام کارهای ناصالح و ناهنجار در قالب ظلم و ستم در دستور کار است ولی در زمینه سازی مثبت، انجام کارهای مثبت و صالح، محور زمینه سازی خواهد بود و همچنین در زمینه نقش آفرینان، تفاوت در این است که در مسیر زمینه سازی منفی، صهونیسم و استکبار و انسان های ناصالح صاحبان نقش می باشند ولی در مسیر زمینه سازی

مثبت انسان‌های صالح و مستضعفین جهانی نقش‌آفرینی می‌کنند. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که این دو راهکار چه رابطه‌ای نسبت به یکدیگر دارند؟ در پاسخ گفته می‌شود نسبت میان آن دو از یک نظر نسبت همپوشانی و از نظر دیگر نسبت تقابلی است در نسبت همپوشان، استکبار و صهیونیسم جهانی به طور قهری با انجام ظلم و ستم، مردم را در تنگنای اجتماعی و روانی قرار داده و مردم در زیر فشار ظلم و ستم دست‌نیز به سوی آسمان دراز کرده و ظهور منجی از خداوند مسألت می‌نمایند. اما از طرف دیگر صالحان و انسان‌های شایسته قرار دارند که با معرفت بخشی به مردم و تشکیل حکمرانی منتظران با سرپرستی ولی فقیه، دورنمائی از حکمرانی متعالی مهدوی را به تجربه مردم می‌رسانند، تا علاقه و اشتیاق مردم به ظهور و حکمرانی متعال مهدوی شدت پیدا نماید. از این نظر دو مسیر منفی و مثبت به طور قهری و ناخواسته نسبت به یکدیگر همپوشانی پیدا می‌کنند. اما از نظر دیگر می‌توان میان آن دو، تقابل و تضاد برقرار کرد زیرا هدف اصلی و واقعی برای مردم و جامعه عصر غیبت، آمادگی و زمینه‌سازی ظهور است و این آمادگی و زمینه‌سازی به تنهایی از مسیر منفی یعنی ظلم ظالمان و ستم ستمگرانی قابل دستیابی نیست. یعنی اگر ظلم ظالمان و ستم ستمگران مردم را به سوی اضطراب حجت‌خواهی پیش می‌برد حتما باید در کنار آن مسیر مثبت که همان طریق معرفت و معرفت بخشی است به کار گرفته شود. اما از طرف دیگر اگر ظلم ظالمان و ستم ستمگران نبود و مردم برای زمینه‌ساز تنها از طریق معرفت و معرفت بخشی به آمادگی رسیدند این امر، امر ممکن و پسندیده‌ای است پس می‌توان از کاربرت مسیر معرفت بخشی از کاربرت مسیر منفی بی‌نیاز شد پس وجود مسیر مثبت می‌تواند نافی مسیر منفی باشد.

#### ۴. جایگاه فراگیری ظلم و ستم در بحث ظهور

در بحث ظهور مسائل مختلفی مطرح است از جمله دو بحث مهم نشانه‌های ظهور و شرایط ظهور. در بحث نشانه‌های ظهور مباحث مختلفی نظیر نشانه‌های حتمی ظهور و نشانه‌های غیرحتمی ظهور و... و در بحث شرایط ظهور، شروط مختلف مطرح است نظیر شرطی که اختصاص به خدا دارد، شرطی که اختصاص به امام دارد و شرطی که مخصوص مردم است. شیخ طوسی در کتاب غیبت چنین آورده است: آنچه در این جا بیان می‌کنیم، مواردی است که سید مرتضی آن را در کتاب *الندخیره* و ما در کتاب *تلخیص الشافی* به بیان آن پرداخته‌ایم که تصرف امام (ظهور امام) با وجود سه مؤلفه اساسی تحقق پیدا می‌کند:

اول؛ آنچه به خدا ارتباط دارد، ایجاد آفرینش امام است.

دوم؛ آنچه به امام ارتباط دارد، مسؤلیت رهبری و امامت و به انجام رساندن آن است.

سوم؛ آنچه به ما مردم ارتباط دارد، تصمیم به یاری و پشتیبانی امام و تسلیم بودن در برابر فرمان اوست (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۱).

بعد ایشان تأکید دارند که شرط اول و دوم تحقق پیدا کرده است و تنها یک شرط مانده تا بستر رخداد ظهور فراهم شود که آن همان وظیفه و رسالت مردم است. یعنی اگر یاری و آمادگی مردم (شرط سوم ظهور) تحقق پیدا نماید، ناگزیر ظهور نیز تحقق پیدا می‌کند. همین مطلب را خواجه نصیرالدین طوسی با بیان دیگر در کتاب *تجرید الاعتقاد* مطرح نموده است. علامه حلی در *کشف المراد* در شرح سخن خواجه بحث لطف بودن امام را مطرح کرده و می‌گوید اصل وجود امام برای بشریت لطف است و تصرفات امام (ظهور امام) در امور اجتماعی مردم لطف دیگری است و اگر می‌بینیم الان مردم از این لطف الهی محروم هستند یعنی ظهور امام زمان عجل الله فرجه را در میان خود ندارند به خاطر کوتاهی و عدم آمادگی است که به مردم باز می‌گردد:

فكان منع اللطف الكامل منهم، لا من الله تعالی ولا من الامام (حلی، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۸۵).  
 با توجه به بیانات مختلف حضرات معصومین علیهم السلام و احادیث مختلفی که در خصوص مطالب بالا از آنها نقل شده است. بحث فراگیری ظلم و ستم در هیچ کدام از موارد فوق جاسازی نمی‌شود یعنی «ملئت ظلما و جورا» نه در قالب شرایط ظهور و نه در ردیف نشانه‌های ظهور<sup>۱</sup> و نه در چارچوب نشانه‌های قیام اعم از نشانه‌های حتمی و غیرحتمی ظهور و قیام تعریف می‌شود. بر این اساس وقتی که نشانه‌های ظهور حتی نشانه‌های حتمی، رخداد و ارتباطش با ظهور حتمی و ضروری نیست. پس به طور طبیعی مرتبط نبودن «ملئت ظلم و جورا» با ظهور امری روشن و واضح خواهد بود و تنها می‌توان این ادعا را مطرح کرد که بیان فراگیری ظلم و ستم در روایات بیان یک خبر و به نوعی بیانگر وصف الحال مردمان آخر زمان و جامعه آخر زمان است و همیشه خبر و داده‌های خبری در آن احتمال تحقق و عدم تحقق داده

۱. میان شرایط ظهور و نشانه‌های ظهور تفاوت‌هایی وجود دارد مثلاً شرایط ظهور، وجودش برای ظهور، ضروری و حتمی است ولی نشانه‌های ظهور اعم از حتمی و غیرحتمی وجودش برای ظهور حتمی و ضروری نیست بلکه تنها در قالب علامت و نشانه برای ظهور نقش ایفا می‌کند و عدم نشانه و عدم علامت دلیل بر عدم صاحب نشانه به نام ظهور نیست ولی در خصوص شرایط ظهور عکس قضیه مطرح است یعنی عدم شرایط عدم مشروط‌ها را به همراه دارد.

می‌شود.

پس دیدگاه «نفی حکمرانی زمینه‌ساز» مستند به روایات فراگیری ظلم و ستم بوده و رخداد ظهور نیز به نحوی متفرع بر آن است. شایان ذکر است که از این دیدگاه، هیچ وقت نفی زمینه‌سازی مطلق برداشت نمی‌شود بلکه اثبات زمینه‌سازی منفی که مستلزم نفی زمینه‌سازی مثبت، در رأس آن حکمرانی ولی فقیه قرار دارد است. پس دیدگاه فوق علاوه بر نفی زمینه‌سازی مثبت، نافی مبانی و بستر شکل‌گیری آن نیز است. زیرا زمینه‌سازی مثبت و حکمرانی زمینه‌ساز ترویج‌گر روحیه اصلاح و اصلاح‌گری در جامعه می‌باشند که با وجود روحیه اصلاح و اصلاح‌گری به طور طبیعی بستر ظلم و ستم که اساس و پایه زمینه‌سازی منفی است در جامعه کمتر و کم‌رنگ‌تر می‌شود پس در نتیجه با از بین رفتن ظلم و ستم در جامعه، بستر و زمینه‌سازی ظهور نیز منتفی شده و به طور قهری اصل رخداد ظهور نیز از بین می‌رود. بر این اساس میان نگرش زمینه‌ساز منفی با زمینه‌سازی مثبت تعارض و تهاافت مبانی وجود دارد. زیرا یکی در بستر ظلم و ستم و دیگر در بستر اصلاح و اصلاح‌گری به هدف می‌رسند.

#### نگرش دوم؛ بی‌اثر بودن حکمرانی زمینه‌ساز در رخداد ظهور

نگرش دوم در بحث زمینه‌سازی و رخداد ظهور، نگرش به بی‌اثر بودن حرکت‌های اصلاحی و اصلاح‌گری (مثل حکمرانی ولی فقیه) در رخداد ظهور است. در این نگرش اصل زمینه‌سازی پذیرفته شده است ولی این که زمینه‌سازی و در رأس آن، حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز، تأثیرگذار در زمان رخداد ظهور باشد رد شده است. بلکه وظیفه اصلی در این نگرش صرفاً انجام کارهای صالح و خوب برای زمینه‌سازی است نه فراتر از آن که تأثیرگذاری در زمان رخداد ظهور باشد و در واقع زمینه‌سازی برای زمینه‌سازی است نه بیشتر از آن یعنی ما مأمور به انجام وظیفه (زمینه‌سازی) هستیم نه مأمور به نتیجه (تأثیرگذاری در زمان ظهور). زیرا براساس این نگرش وقتی که زمان رخداد ظهور در علم الهی دارای یک وقت معین و دارای یک زمان مشخصی باشد. بی‌تردید هر حرکت اصلاحی حتی حرکت اصلاحی (حکمرانی) ولی فقیه نیز در رخداد ظهور اثر بخش نیست. پس به طور کلی همه حرکت‌های اصلاحی بالاخص حکمرانی ولی فقیه در زمان رخداد ظهور و تقدم بخشی آن بی‌خاصیت و بی‌اثر است.

#### پاسخ به نگرش دوم

#### ۱. معناساختی تحصیلی و حصولی

شایان ذکر است، در بحث زمینه‌سازی بعد از این که اصل زمینه‌سازی و تحقق آن برای بشر ممکن دانسته شد دو دیدگاه بروز و ظهور پیدا می‌کند: ۱. اثربخشی زمینه‌سازی در ظهور؛ ۲. عدم اثربخشی زمینه‌سازی در ظهور و در حقیقت پایه و اساس این دو نگرش نیز به دو پرسش اساسی باز می‌گردد. ۱. آیا پدیده ظهور یک امر تحصیلی است یا حصولی؟ ۲. آیا پدیده ظهور یک امر اختیاری است یا غیراختیاری؟ بالتبع وقتی که ظهور یک پدیده اختیاری و تحصیلی باشد پس زمینه‌سازی نیز دارای فایده بوده و فایده‌اش همان اثربخشی و تأثیرگذاری در ظهور است و اگر ظهور امر غیراختیاری و حصولی دانسته شد پس زمینه‌سازی نیز به طور قهری بی‌فایده بوده و بی‌فایده‌گیش به بی‌خاصیتی و بی‌اثری آن نسبت ظهور منتهی می‌شود. پس نگرش اول یعنی نگرش اثربخشی زمینه‌سازی در ظهور در واقع نتیجه همان ایده تحصیلی و اختیاری بودن ظهور و نگرش دوم یعنی نگرش عدم اثربخشی زمینه‌سازی در ظهور در واقع ثمره همان ایده حصولی و غیراختیاری بودن ظهور است. بر این اساس از نگرش اول تأثیرگذاری حکمرانی ولی فقیه در زمان رخداد ظهور و از نگرش دوم عدم تأثیرگذاری آن برداشت می‌شود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

در واقع حصولی بودن ظهور در برابر تحصیلی بودن ظهور قرار دارد. حصولی بودن ظهور یعنی رخداد ظهور بدون ارتباط با اراده و تمهیدات بشر در یک فرایند قهری و از پیش تعیین شده به صورت پروسه‌ای حاصل می‌شود. ولی تحصیلی بودن ظهور برعکس آن است یعنی در راستای اراده و تمهیدات بشر در یک فرایند پروژه‌ای و در زمان شناور و نامشخص با تلاش و کوشش مردم تحصیل می‌شود. پس وقتی ظهور حصولی دانسته شد یعنی اراده و اختیار بشر در آن دخالتی ندارد ولی اگر تحصیلی دانسته شد، اراده و اختیار بشر در آن دخالت داشته و ظهور پس از اراده جمعی بشر تحقق پیدا می‌کند چنانچه خواجه نصیر می‌فرماید: «وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَ عَدَمُهُ مِثْلٌ» پس معنای تحصیلی بودن ظهور یعنی بشر باید به سوی انجام این مقدمات و تمهیدات گام برداشته و با تلاش و کوشش بی‌وقفه با اقدام زمینه‌سازی لطف خدا را که همان ظهور بوده تحصیل نماید. چنان که امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در خطاب مردم ایران می‌گوید:

شما ملت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و انقلاب نهایی اسلامی بشریت (که سطح عالم را خواهد گرفت و همه‌ی این گره‌ها را باز خواهد کرد) قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج

این است (مرکز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي، ۱۳۶۹، ص. ۲۵۱).

و در بیانات دیگر ایشان آمده است:

ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸).

این‌که معظم له می‌فرماید «قدم به قدم به ظهور نزدیک بشوید» و «ما به زمان ظهور امام زمان نزدیک شده‌ایم» نشان از تأثیرگذاری حرکت‌های اصلاحی مردم در رأس آنها حکمرانی ولی فقیه در زمان رخداد ظهور است. در این میان گروهی برخلاف رویه تحصیلی یعنی حصولی بودن ظهور را اعتقاد دارند و بر این اساس ظهور را امری آسمانی و ماورائی دانسته و به طور کلی آن را خارج از حیطه زمینی و فراتر از قدرت بشری می‌دانند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴، ص. ۳۷۷).

## ۲. پیامدهای منفی نگرش حصولی

نگرش حصولی بودن ظهور که به نوعی نقش مقدمه‌چینی و تمهیدگری مردم را بی‌خاصیت و تأثیرگذاری آن را بی‌معنا می‌داند علاوه بر پیامدهای منفی بسیاری نظیر یأس، ناامیدی، بی‌انگیزگی، بی‌رغبتی، خمودی و... که دارد مخالف طیف وسیعی از روایاتی است که نقش مردم را در ظهور پررنگ و تأثیرگذار دانسته و کارهای صالح و مطلوب آنها را در زمان رخداد ظهور مؤثر می‌داند.

عیاشی در تفسیر خویش از قول فضل بن ابی قره روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ سَيُولَدُ لَكَ فَقَالَ لِسَارَةَ فَقَالَتْ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ  
أَنَّهَا سَتَلِدُ وَيُعَدُّبُ أَوْلَادُهَا أَرْبَعِينَ سَنَةً بِرِدِّهَا الْكَلَامَ عَلَيَّ قَالَ فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي  
إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ صَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ  
يُخَلِّصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَظَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَكَذَا أَنْتُمْ  
لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَمَا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص. ۱۵۴)؛

خداوند وحی فرستاد به حضرت ابراهیم که به زودی فرزندی برای تو متولد خواهد شد! ابراهیم هم بساره (همسرش) خبر داد: ساره گفت: من پیرزن هستم! با این وصف خداوند وحی فرستاد بسوی ابراهیم که ساره به زودی فرزندی می‌آورد و به خاطر انکار قدرت خدا از طرف ساره، اولادش چهار صد سال گرفتار خواهند بود. آن‌گاه حضرت فرمود: چون گرفتاری بنی اسرائیل به طول انجامید چهل صبح رو به درگاه الهی آورده به گریه و زاری پرداختند. خدا هم به موسی (و برادرش) هارون وحی

فرستاد که (با امداد غیبی) آنها را از شر فرعون نجات دهد و صد و هفتاد سال از چهار صد سال گرفتاری آنها را برداشت. سپس امام ششم فرمود: همچنین شما هم اگر مثل بنی اسرائیل در درگاه خداوند به گریه و زاری بپردازید؛ خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد. اما اگر چنین نباشید، امر فرج تا پایان مدتش خواهد رسید.

در نامه ای که امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید توفیق نموده در آن به آمادگی مردم و ارتباط آن به رخداد ظهور اشاره شده است:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۸)؛

چنانچه شیعیان ما «خدا به طاعت خود موفقشان بدارد» قلباً در وفای به عهدشان متحد می شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت به ما می باشد.

در روایت منقول از امام باقر علیه السلام آمده است:

إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ [لِلْإِسْلَامِ] عَدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ (مغربی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۴)؛

هرگاه پیرامون امام به تعداد نفرات جنگ بدر که سیصد و سیزده نفر است جمع شوند بر امام واجب است قیام کرده و دست به تغییر بزند.

چنان که امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

أَمَا لَوْ كُمَلَتْ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَعْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ وَ لَا شَحْنَاؤُهُ بَدَنَهُ وَ لَا يَمْدَحُ بِنَا مُعْلِنًا وَ لَا يُخَاصِمُ بِنَا قَالِيًا (نعمانی، ۱۳۷۹ق، ص ۲۰۳)؛

آگاه باش هرگاه آن عده وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند شمارشان کامل شود، آن گاه چنان که شما می خواهید خواهد شد، لکن شیعه ما کسی است که صدایش از حدّ گوش خودش نمی گذرد و نیز کینه و ناراحتی درونش از حدّ پیکر او تجاوز نمی کند، و ما را آشکار نمی ستاید و با دشمنان ما نمی ستیزد.

از روایات فوق نکاتی چند قابل برداشت است که در ذیل به مواردی از آنها اشاره می شود:

۱. تأثیرگذار بودن دعا در امر فرج؛

۲. تأثیرگذار بودن اراده جمعی بشر در تقدم بخشی فرج؛
۳. فراگیری و کلیت این سنت برای همه مردم در همه زمان‌ها؛
۴. تکلیفی بودن فرج طلبی برای مردم؛
۵. تداوم غیبت در صورت عدم فرج طلبی؛
۶. متغیر بودن رخداد ظهور از نظر زمان؛
۷. ضرورت رخداد ظهور در منتهی الیه زمان.

بسی روشن است برخلاف تحصیلی بودن ظهور وقتی که نگرش حصولی بودن ظهور در جامعه در میان مردم ترویج و نهادینه شود که مثلاً مردم در رخداد ظهور هیچ نقشی ندارند و تلاش و کوشش اصلاحی و مثبت آنها در امر ظهور بی تأثیر بوده و همه چیز به امر و اراده الهی باز می‌گردد و خداوند از پیش برای ظهور زمان مشخص و معینی را در نظر گرفته و ظهور در آن زمان رخدادش قطعی و حتمی خواهد بود. و در واقع تمهیدگری و زمینه‌سازی مردم نسبت به تغییر زمان ظهور بی‌ثمر بوده و هر چه آنها تلاش و کوشش نمایند و هر چه از خداوند متعال درخواست نمایند تغییری در زمان ثابت ظهور رخ نخواهد داد. بی‌شک نتیجه این نگرش و این ایده چیزی جز روحیه ناامیدی، بی‌مسئولیتی، بی‌خیالی، خمودی و ایستائی نخواهد بود و مردم در انجام کارهای خیر و صلاح در امر زمینه‌سازی، بی‌خیال و بی‌تفاوت شده و به نوعی توان و انگیزه کارهای مثبت و صالح برای زمینه‌سازی از آنها گرفته خواهد شد.

#### نگرش سوم؛ اثربخشی حکمرانی زمینه‌ساز در رخداد ظهور

نگرش اول نافی زمینه‌سازی هر حرکت‌های اصلاحی از جمله حکمرانی ولی فقیه برای ظهور و نگرش دوم نافی اثربخشی حکمرانی ولی فقیه در رخداد ظهور از نظر تقدم بخشی بود ولی نگرش سوم که خلاف آن دو نگرش گذشته است بیانگر اثربخشی حکمرانی ولی فقیه در امر ظهور است. یعنی حرکت‌های اصلاحی و حکمرانی ولی فقیه در ظهور دارای دو اثر «زمینه‌سازی برای ظهور» و «تقدم بخشی در رخداد ظهور» است. پس براساس این نگرش اولاً؛ حرکت‌های اصلاحی و نهضت‌های اصلاحگر زمینه‌ساز ظهور می‌باشند. ثانیاً؛ حرکت‌های اصلاحی در رأس آنها حکمرانی ولی فقیه در رخداد ظهور از نظر زمانی تأثیرگذار خواهند بود. ثالثاً؛ براساس این نگرش رخداد ظهور متکی به اراده جمعی بشر خواهد بود رابعاً؛ زمینه‌سازی ظهور در تمکن بشر است خامساً؛ ظهور براساس این نگرش امر اختیاری و تحصیلی خواهد بود.

### ۱. نگرش تحصیلی بودن ظهور و قائلین به آن

بی شک این نگرش یعنی نگرش تحصیلی و اختیاری بودن ظهور که برابند آن همان اثربخشی حکمرانی ولی فقیه در رخداد ظهور است، مورد اذعان و قبول بسیاری از علما و اندیشمندان اسلامی است. امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در این خصوص می‌فرماید:

هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹ الف).

همچنین ایشان می‌فرماید:

جوامع بشری هر چه با عدالت همراه بشوند، با معنویت همراه بشوند، هر چه انسان‌ها از رذائل اخلاقی، از خودخواهی‌ها، از بداندیشی‌ها، از بددلی‌ها، از شهوترانی‌ها و خودپرستی‌ها دور بشوند، آن آینده نزدیک‌تر خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹ ب).

باز ایشان در خطاب به مردم ایران می‌گوید:

شما ملت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له و انقلاب نهایی اسلامی بشریت (که سطح عالم را خواهد گرفت و همه‌ی این گره‌ها را باز خواهد کرد) قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ص. ۲۵۱).

بی تردید از این بیانات تحصیلی بودن ظهور برداشت می‌شود.

در این خصوص آیه‌الله آصفی در کتاب *الانتظار الموجه* در بحث علت تأخیر ظهور می‌نویسد: علت تأخیر ظهور به جهت فراگیر نشدن ظلم و ستم نیست بلکه نبود یاران کافی از نظر کمی و کیفی و نبود آمادگی مردم، زمینه به تأخیر افتادن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه له شده است و اگر این مشکل برطرف شود ظهور بدون تأخیر زودتر به وقوع می‌پیوندد (آصفی، ۱۴۱۸ ق، ص. ۱۸۰).

آیه‌الله مکارم شیرازی در کتاب *حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه له* در پاسخ به طولانی شدن غیبت می‌گوید:

برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است و هنوز متأسفانه دنیا آماده پذیرش چنان حکومتی نشده است و به محض آمادگی، قیام او قطعی است (مکارم

شیرازی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۲).

اصفهانی در کتاب *مکیال المکارم* می‌نویسد:

آمدگی مردم یکی از شرایط و ارکان ظهور است باید قدم اول را در این مسیر مردم بردارند و ظهور را از خدا طلب نمایند تا خداوند ظهور را تحقق بخشد (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱).

ایشان در ادامه می‌نویسد:

دعاهایی که مردم برای تعجیل بخشی ظهور می‌کنند در تقدم بخشی ظهور تأثیر دارد (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص. ۴۵۲).

محمدباقر فقیه ایمانی در کتاب *شيوه‌هاي ياري قائم آل محمد ﷺ* روایاتی که پیرامون دعا برای تعجیل ظهور وارده شده را به پنج قسم تقسیم می‌کند و در قسم اول می‌نویسد: در بعضی روایات تصریح شده است که دعای مؤمنین و طلب فرج آن حضرت موجب تعجیل در فرج می‌شود، و ترک آن موجب تأخیر در فرج می‌شود (فقیه ایمانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۷).

سید محمدباقر صدر در کتاب *رهبری بر فراز قرون* هر کاری برای تغییر ساختار جامعه موفقیتش به یک سلسله شرایط و زمینه‌های خارجی نیاز است اگرچه تغییرات اجتماعی که سرچشمه الهی دارد ربطی به عوامل خارجی ندارد، ولی از جنبه‌های خارجی به شرایط بیرونی متکی است. پس با این که خدا توانائی هموار کردن مسیر برای ظهور را دارد ولی از این روش استفاده نخواهد کرد پس باید منتظر شرایط باشیم و برای اجرائی چنین تحولی وجود رهبر صالح به تنهایی کافی نیست (صدر، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۵).

سروش در کتاب *مدارا و مدیریت* به شرایط رخداد ظهور اشاره کرده و می‌گوید:

اگر مردم از نظر آمادگی در کف و در نقطه کمترین قرار داشته باشند ظهور رخد نمی‌دهد بلکه ظهور زمانی به وقوع می‌پیوندد که مردم در اوج آمادگی باشند یعنی اوج آمادگی مردم ظهور را به همراه می‌آورد (سروش، ۱۳۷۶، ص. ۳۸۹).

## ۲. نگرش تحصيلی بودن ظهور از منظر عقل، قرآن و سنت

در کتاب *مردم و زمینه‌سازی ظهور* که به قلم نویسنده تألیف شده، به جایگاه مهم مردم در بحث زمینه‌سازی و نقش آنها در بحث رخداد ظهور توجه شده است. در آن کتاب با تأملات سه‌گانه یعنی تأملات عقلی، تأملات قرآنی و تأملات روائی، علاوه بر نقش تأثیرگذار مردم در

تحقق زمینه‌سازی ظهور به نقش مهم آنها در تحقق رخداد ظهور نیز پرداخته شده است. در تأملات عقلی که با کاربست اسلوب عقلی دنبال می‌شود دلایل و براهین مختلفی مطرح است نظیر «دلیل تسلط انسان بر سرنوشت و تاریخ»، «دلیل قانونمندی جامعه و حوادث آن»، «دلیل قانون علیت و عمومیت آن در حوادث اجتماعی»، «دلیل رفع غیبت ضرورت بخش ظهور»، «دلیل اصالت الظهور»، «دلیل مقتضی و مانع»، «برهان حکمت خدا»، «برهان عدالت خدا»، «برهان فلسفه تاریخ» و «برهان فطرت».

در تأملات قرآنی جستار دوگانه‌ای در قالب دو فصل در افکنده شده است در فصل اول به قانون مکافات و دو عنصر اساسی آن یعنی عمل و بازتاب عمل پرداخته شده که این قانون دارای سه مؤلفه مهمی به نام «اصل رابطه»، «سنخیت رابطه» و «ضرورت رابطه» میان عمل و بازتاب آن است. در مؤلفه اول وجود رابطه میان عمل و بازتاب عمل مورد بحث و گفتگو است و در مؤلفه دوم که سنخیت در رابطه است به توازن و تناسب میان عمل و بازتاب عمل توجه می‌شود یعنی عمل بد بازتاب بد و عمل خوب بازتاب خوب خواهد داشت. مؤلفه سوم که ضرورت رابطه میان عمل و بازتاب عمل باشد به واسطه دلایل چهارگانه‌ای نظیر «مفهوم داری شرط»، «تخلف ناپذیری وعده الهی»، «قانون علت و معلول» و «قطعیت سنت الهی» توجیه و مستدل می‌شود.

بعد از تبیین و تحلیل زمینه‌سازی ظهور با نگرش عقلی و قرآنی به تحلیل و توجیه زمینه‌سازی ظهور با تأملات روایی پرداخته شده که در بحث زمینه‌سازی ظهور با نگرش روایی به رویکردهای مختلفی توجه می‌شود که هر کدام از آنها تداعی‌گر بعدی از ابعاد این مسئله می‌باشند مثلاً نگرش روایی یک بار با رویکرد عام قابل تحلیل و تبیین است که در این رویکرد به موضوعاتی پرداخته می‌شود که بحث زمینه‌سازی ظهور را به صورت کلی و مطلق دنبال می‌نمایند اولین بحثی که در این جا با رویکرد عام مطرح می‌شود بحث «تداوم نعمت‌ها و مانعیت گناه» است که در این مبحث به توجیه تداوم نعمت‌های الهی پرداخته شده که با بروز گناه این نعمت‌ها به مخاطره می‌افتد یعنی اصل نعمت و تداوم و ازباید آن توسط گناه متوقف می‌گردد نظیر ظهور که از جمله نعمت‌های بزرگ الهی است که با کوتاهی‌ها و نافرمانی مردم به مخاطره افتاده و تبدیل به غیبت شده است. بحث بعدی بحث «آمادگی مردم و ضرورت حجت» که این بحث نیز با رویکرد عام دنبال می‌شود زیرا بحث ضرورت حجت عام است که امام زمان علیه السلام یکی از حجت‌های الهی است در این جا براساس داده‌های روائی همه امامان در صورت مهیا بودن مردم و مساعدت یاران، ملزم به قیام و اقامه دین بوده‌اند یعنی با وجود

آمادگی مردم و حضور جدی آنان در صحنه عزلت امامان تبدیل به قیام می‌شود که در مورد امام زمان علیه السلام نیز در صورت مهیا بودن شرایط غیبت او تبدیل به ظهور و قیام می‌شود. اما در رویکرد خاص به بحث زمینه‌سازی ظهور که تنها معطوف به امام زمان علیه السلام پرداخته می‌شود که این رویکرد نیز با دو نگرش تصریحی و تلویحی دنبال می‌شود در نگرش تصریحی به روایاتی پرداخته می‌شود که به صورت منطوقی به بحث زمینه‌سازی ظهور و وابستگی ظهور به زمینه‌سازی می‌پردازند ولی در نگرش تلویحی به روایاتی توجه می‌شود که به صورت مفهومی به بحث زمینه‌سازی ظهور پرداخته و وابستگی ظهور را به آن اعلان نموده‌اند که روایات رویکرد خاص را می‌توان در جستارهایی نظیر «زمینه‌سازی با ممه‌دون للمهدی»، «زمینه‌سازی با آیات السوء»، «زمینه‌سازی با یاران عام و خاص»، «زمینه‌سازی با دعا» و «زمینه‌سازی با رفع غیبت» مقوله‌بندی نمود که هر کدام از این جستارها به نوعی به توجیه زمینه‌سازی ظهور و نقش آن در رخداد ظهور و تقدم بخشی ظهور توسط آن می‌پردازند.

#### نتیجه‌گیری

بحث زمینه‌سازی ظهور از جمله مباحث مهم مهدویت است پیرامون زمینه‌سازی ظهور مباحث مختلفی مطرح شده که یکی از آنها، بحث ارتباط داشتن زمینه‌سازی با مقوله ظهور است مثلاً؛ آیا زمینه‌سازی در رخداد ظهور تأثیر دارد؟ و آیا هر حرکت‌های اصلاحی و نهضت‌های اسلامی به طور عام و حرکت‌های اصلاحی و حکمرانی ولی فقیه به طور خاص در تحقق ظهور نقش دارند؟ در این خصوص سه نگرش مختلف مطرح شده است نگرش اول که نافی هر نوع زمینه‌سازی با حرکت اصلاحی از جمله حرکت اصلاحی ولی فقیه تحت عنوان حکمرانی ولی فقیه است به طور کلی حکمرانی ولی فقیه که حکمرانی زمینه‌ساز ظهور باشد را رد می‌کند و دیدگاه آنها بر این است که همیشه حرکت‌های منفی نظیر تحقق ظلم و ستم و فراگیری آنها زمینه‌ساز ظهور تلقی می‌شوند. در این نگرش گرچه به حرکت‌های اصلاحی از جمله حرکت اصلاحی ولی فقیه نظر مثبت داشته و آنها را به نوعی زمینه‌ساز ظهور می‌داند ولی هیچ‌گاه تحقق ظهور را متکی و متفرع بر آنها نمی‌داند یعنی حرکت‌های اصلاحی و حکمرانی ولی فقیه وظیفه مطلق است که باید مردم و ولی فقیه به انجام آن مبادرت نمایند ولی این که این نوع زمینه‌سازی تأثیری در رخداد ظهور داشته و به نحوی با وجود آنها ظهور از نظر زمانی تقدم بخشی می‌شود به طور کلی رد می‌شود. نگرش سوم که نگرش مختار است به این برآیند منتهی شده که اولاً؛ حرکت‌های اصلاحی از جمله حرکت‌های اصلاحی ولی فقیه در راستای

تحقق زمینه‌سازی ظهور توجیه می‌شوند ثانیاً؛ این نوع حرکت‌ها و نهضت‌ها در رخداد ظهور تأثیرگذار بوده و با وجود آنها ظهور از نظر زمانی تقدم‌بخشی می‌شود.

#### منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*. تهران: اسلامیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (بی‌تا). *مسند حنبل*. بیروت: دار صادر.
- الآبری، محمد بن حسین. (۱۴۳۰ق). *مناقب الشافعی*. عمان: دار الاثریه.
- آصفی، محمد مهدی. (۱۴۱۸ق). *انتظار الموجه*. بیروت: الغدیر.
- بنی هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). *راز پنهانی و رمز پیدایی*. تهران: نیک معارف.
- بور، مارک. (۱۳۹۷). *حکمرانی*. (عرفان مصلح و زهره کریمیان، مترجم). تهران: نشر کرگدن.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: اعلمی.
- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تحقیق: حسن حسن‌زاده آملی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۰). *بیانات در اجتماع مردم قم*. <https://khl.ink/f/2586>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۸). *بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان*. <https://khl.ink/f/2983>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۹الف). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌تجددنا*. <https://khl.ink/f/3034>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۹ب). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر خم*. <https://khl.ink/f/3056>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۶). *ما منتظریم*. به اهتمام: حسن ملایی. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۲). *حکمرانی قبیله‌ای*. *مجله خردورزی*. شماره (۲) صص ۱۲-۲۱.
- سروش، عبد‌الکریم. (۱۳۷۶). *مدار و مدیریت*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۲۲ق). *منتخب‌الاثار*. قم: مکتبه آیت‌الله‌الصادق‌الکلیپایگانی.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۷۹). *رهبری برفراز قرون*. تحقیق: عبد‌الجبار شراره، (مصطفی شفییعی، مترجم). تهران: موعود عصر.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*. مشهد: المرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). *الغیبه*. قم: مؤسسه‌المعارف‌الاسلامیه.

- عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر عیاشی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فقیه ایمانی، محمدباقر. (۱۳۸۱). شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیه السلام. اصفهان: عطر عترة.
- لک‌زایی، نجف و همکاران. (۱۴۰۳). موضوع‌شناسی فقهی حکمرانی دینی. فصل‌نامه دین و قانون. ۱۲(۴۳)، ۵۱-۷۸. doi: 10.225/qjrl.2024.243
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء تراث العربی.
- مرکز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامی. (۱۳۶۹). در مکتب جمعه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغربی، قاضی نعمان. (۱۴۰۹ق). شرح الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). حکومت جهانی امام زمان علیه السلام. قم: نسل جوان.
- موسوی اصفهانی، محمدتقی. (۱۳۸۷). مکیال المکارم. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۷۹ق). الغیبه. تهران: نشر صدوق.
- هاشمی خوبی، حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.





## The possibility of regression within the ontological framework of transcendental wisdom

Dr. Zohreh Borqai <sup>1</sup>

Dr. Maryam Borqai <sup>2</sup>

### Abstract

Return, as the return of some humans to worldly life after death, is one of the specific beliefs in the Mahdist system. In addition to its narrative support, this belief requires philosophical analysis in the context of the ontology of the soul. Transcendental wisdom, as one of the richest Islamic philosophical systems, has profound discussions about the reality of the soul, its individuality, unity with the body, and survival after death, which can provide a basis for a rational explanation of return. This approach, by combining the principles of skeptical ontology, substantial movement, and Sadra's epistemology, presents a novel model in explaining the relationship between the levels of the soul and return, which is considered innovative both in terms of methodology and results. In this article, an attempt has been made to analyze the possibility of return, as one of the specific Shiite beliefs, in the philosophical context of Transcendental wisdom.

From Mulla Sadra's perspective, the soul is an abstract substance, physical in occurrence, and spiritual in survival. This feature makes possible the survival and return of the soul after death. Consequently, rebirth as the voluntary return of specific souls to the material body is possible and reasonable within the framework of transcendental wisdom, especially if its realization is attributed to divine will and wisdom.

**Keywords:** Return, soul, Mulla Sadra, transcendental wisdom, soullessness, essential movement

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Assistant Professor, Department of Philosophy and theology, University of Qom, Iran (Corresponding author) (z.borghei@yahoo.com)

2. Head of the Research Center for Jurisprudence and Fundamentals of Law, Jami'at al-Zahra (PBUH) Seminary (m.Borqei@yahoo.com)